

قیام ایران

روزنامه جمهوری نیویورک

سومینار بررسی

مسائلی آینده ایران

بعد از رژیم خمینی

مونیخ: فرستاده ویژه قیام ایران

دریک گردهمایی دوازده در مونیخ، ایرانیان دموکرات نظری خود را ابراز کردند.

مؤسسه روابط خارجی "بنیاد هانس زایدل" Hans - Seidel - Stiftung

وابسته به حزب "سوسال مسیحی"، یکی از احزاب تشکیل دهنده دولت کنونی آلمان فدرال، با برگزاری سمیناری در روزهای ۴ و ۵ دسامبر (۱۲ و ۱۳ آذر) به ایرانیانی که برای برقراری دموکراسی در ایران سازخمتی میارز می کنند، فرصتی داد تا عقاید خود را درباره مسائل گوناگون ایران ابراز دارند.

بنیاد هانس زایدل از نهضت مقاومت ملیسی

بقیه در صفحه ۲

ترجمه نطق دکتر شاپور بختیار

در سمینار "ایران امروز و ایران فردا"

آقای رئیس، خانمها، آقایان،

در آغاز سخن بایدمراتباً متناهی خود را به بنیاد "هانس زایدل" بخاطر دعوتی که از ما بعمل آورده است ابراز دارم و قبل از هر چیز نسبت به ملت بزرگ آلمان ادای احترام کنم؛ ملتی که علیرغم دوران دردناک و ویرانگر جنگ دوم جهانی، در سایه یک دموکراسی مستحکم، دوباره قدم در راه ترقی گذاشت و امروز از بسیاری جهات، فرهنگی، صنعتی و

تکنولوژی در دیف اول کشورهاست.

بسیار تقدیر و ارادت دارم. آقای رئیس توضیحات روشنی در باره جنگ ایران و عراق و ماهیت حکومت مصیبت بارملایان دادند. من در این زمینه ها چیزی بر آنچه ایشان گفتند اضافه نمی کنم و وظیفه تشریح اوضاع اجتماعی واقعه ای کنونی ایران را بر عهده همزمانانم، کد در این مجلس جنور دارند، می گذارم. اما می خواهم به آینده ایران، با نگرانی من آن را

هادی یزاد

باز هم افسانه های پیرایه روز

بحران سیاسی آمریکا، در آن بندها که به زندگی ما و نظام آینده ای ایران گره می خورد، هشدار دهنده و در عین حال عبرت انگیز است. رئیس جمهوری ایالات متحده، در برابر

حینعلی مشکان

تهران - تل آویو، دلمان حضرت امام را به سختی لکه دار ساخته است و اگر کوشش مؤثری برای تظهیر صورت نگیرد بسیاری از محاسبات بهم می ریزد. حالا کویا بشود اما می دیکر ساخت و علم مبارزه با آمریکا لیس بدست داد و دست شهرت و او را زمانی تا ماه رسانند و زمینه ظهورش را فراهم آورد و بر مستد خلاقیت و اما متأسفانه، سبب باینستند. اما این تگرید است!

بقیه در صفحه ۱۶

برای یک نفر از ایران، دنبال بیماریان نیروگاه بیرون "تکا" توسط هوا سها های عراقی، عراقی، شهران گه تا چند روز قبل روزی ۴ تا ۵ ساعت قطع می شد، امروز سخته سه ساعت تا هشت ساعت در روز سبب است. بنا بر این گزارش تنها در منطقه دولت، از ساعت ۸ صبح تا سید از ظهر روز یکشنبه، برق قطع شد. این گزارش می افزاید: خاصی های بی در بی برق همراه با کمبود برق در استانها، در حالی که روزی روزی بسیاری از مردم را بدست مختل کرده است. شب و کتا زونیل به مدت کمی است و قیمت نفت به لیتری دهنومان رسیده است. بنزین حتی با کوبین های دولتی سیدای نمی شود و کتا میون ها و توپوس ها در مقابل جایگاه های بنزین به سخته ۴ کیلومتری رسد.

قطع برق در تهران

موج های بی دریی بحران، اصرار دارد به مخالفین خود تزریق کند که: "درمراجری فروش اسلحه و ارتباطات بینانی با رژیم تهران، خطائی رخ نداده، عهدی با مال نشده و مصلحتی از یاد نه فرفته است". می گوید: "در این رابطه ها آزادی کروگان ها هدف نهائی نبود، مقصود اینجا درسلی بود برای جذب و تقویت "میاندرها" در مقابل "تندروهای" رژیم - برآزادی کروگانها با فشاری داشتیم ولی عمدتاً "بداین دلیل که اقتدار" طرفهای "خود را با ما شیم و از کار آئی آنها مطمئن شویم".

ضعف فوق العاده ای این استدلال و نتیجه گیری و دلیل آن تا کدویا فناری هیچکدام نبوده نیست. رستگان قصد دارد، مسائل را از "افعی های غیر قابل دفاع" به "افعی های قابل دفاع" بحرفا تندی بدینگونه موع اعتراضات را بسکند. خوب می دانند طرح مسئله صرفاً "در قالب" نظام برای نجات "تروکانها" می چون و چرا محکوم است، زیرا سبب عمدی ادعاهای گذشته ان یک خط بیطلان می کشد، تا حاردت تمام توضیحات خود به نحوی این دو حمله را بی گناهند: "ما با (رژیم) تمامی ندانستیم، فقط به "افراد" خاصی مل زده ایم."

بقیه در صفحه ۲

آقایان، خانمها، آقایان، درم صفحه ۲

می بینم، اساره ای بکنم. قبل از هر چیزی بایا این نکته را یادآوری کنم که با بسا نقد فلسفه زندگی مان، فرهنگمان، سنت ها مان خود را به دنیای غرب نزدیک ترا حاساس می کنیم ولی این احساس بدان معنی نیست که بخوا هم زیر ضربیکی از بلوک ها بروسیم و رودر روی بلوک دیگر قرار گیریم. ما می خواهیم، بدون دخالت خارجی، حاکم برسرو نوشت وطن خود باشیم. ولی بایا فا فه کنم که

بقیه در صفحه ۲

نماشا خا فانه تمام عیار

نما ز جمعه شهران، نماشا خا فانه تمام عیاری است. ائمه جمعه آن، آزادی گویان گرفته تا موقت، از عمامه سیا گرفته تا عمامه سفید، با زیگران نمازش های هستند که در هر سر نیروز جمعه در آن بها جرا در می آید. همان گونه که به یک با زیگرنما سایی نمی توان ایراد گرفت که چرا در بیرون نشستی با زی کرد و امروز نشستی درست مخالف آن، تا بدریای زیگران خیمه ست با زی نما ساز جمعه نیز جرحی نباشد که در بیرون نشستی می گفتند و امروز جزیی درست خلاف بیروز می گویند.

بقیه در صفحه ۴

سوالی که پس گرفته شد

اسیران بندگی دانستیم که است نما سده مجلس ایلامی از وزیر خا رجه رژیم تهران سترال کرده بود و کدیک فارلس کی سده شهران آمد، جرا آمد، بد دعوت کدآ بدوسا جدا گانه سدا گره کرد. و وزیر خا رجه رژیم، این سده نما بند را در حضور آن ندا سده که به سترالسا ن ما سخی دد، یک سده سترار دد مسیلدر امدال لایم خمینی بر با دودار ستریدت بسا سترالسا ن مجلس ایلام سده سا سده را وا زندکارهای کشند که عمل بر نمودلی در کاربولت بود. خمینی مداخله کرد. رسا ن سده سده سده کد سبب سترالسا ن هس نما بند را بامت حزب اللد

بقیه در صفحه ۱۰

بقیه در صفحه ۱۰

ترجمه نطق

دکتر شاپور بختیار

بقیة از صفحه ۱

منق به وطن مراد ف خومت با عارجی نیست .

وقتی من به شما بگویم که از او ان جوانی یک سوسال دمکرات بوده ام ، خواهید توانست نظر مرا و تصور مرا از شما معه آئینده ایران حدس بزنید ، زیرا یک سوسال دمکرات الزاماً " یک پنجم - دوست است و در نتیجه می توانید مطمئن باشید که در ایران فرد آنچه بیش از هر چیز مورد توجه خواهد بود رعایت حقوق بشر است ، البته ممکن است با توجه به آنچه که امروز در ایران می گذرد این هدف را همی و غیر عملی تصور کنید ، ولی چنین نیست . من خود در جوانی شاهد انحطاط ارزش های اخلاقی در موطن کانت و کوته و پشه وون بودم ، پس عجیب نیست اگر در کشوری مثل کشور ما با همه تاه کیده های متفکرانش بر احترام به حقوق بشر ، در حال حاضر تا حد سلطه یک گروه و ایسکراوسی اعتنا به ارزش های اخلاقی و فکری جا معی با شیم .

در هر دو حال - آنچه بر شما گذشت و آنچه بر ما می گذرد - حادثه ای گذرا بیش نیست چرخ تاریخ را نمی توان به عقب برگرداند ، بیخ و خمی در مسیر است که دوباره به جا ده مستقیم منتهی می شود ، چهل سال پیش ما ، بین هزارتا دوزخ را تحصیل کرده ام و مغرب زمین داشتیم ، در حال حاضر تعداد این تحصیل کردگان به متجاوز از دو بیست هزار نفر رسیده است ، جمعیت کشور ما حدود ۲۰ میلیون نفر بود و امروز از مرز ۴۵ میلیون گذشته است ، بیش از نیمی از این جمعیت زیر بیست سال دارند ، ما به این جمعیت جوان امید بسته ایم ، آنها را راهنمایی می کنیم که دقیقاً " مراقب باشند و زیر بار تاریخ اندیشی سیاسی یا مذهبی نروند و برای آزادی خود مبارزه کنند ، این جوانان هستند که باید در استقرار یک دمکراسی یا یبار ، بنحوی که دخالت خارجی یا مداخله شوم یک طبقه خاص در ارکان آن تزلزلی ایجاد نکند ،

مشا رکت نما بیند ، بنظر من در میان زشتی های که ملت را در چشم جا معی بین المللی خواهد رو خفیف می کند ، از همه زشت تر و خطرناک تر فانا تیسیم است ، فانا تیسیم با دمکراسی سازگار نیست ، در نتیجه ایران فردا باید خود را علیه فانا تیسیم ، از هر نوع آن ، تجهیز کند .

آنچه ما می خواهیم در ایران فردا به مرحله عمل در آوریم یک دمکراسی بر اساس احساس ملی گرائی و در جهت شکفتگی شخصیت افراد جامعه و پیشرفت اجتماعی است .

یعنی وسیله استقرار دمکراسی ، ما یک قانون اساسی داریم که هشتاد سال پیش به تصویب شما بندگان ملت رسیده است ، این قانون برای آن موقع بسیار مترقی و مناسب بود و اگر آنرا بدرستی اجرا کرده بودیم امروز سر نوشت دیگری داشتیم ، البته نمی گوئیم که این قانون ۸۰ سال

سمینار بررسی مسائل آینده ایران

بعد از رژیم خمینی

بقیة از صفحه ۱



ترسیم کرد (متن سخنرانی جدا گانه چاپ شده است) .

سخنرانی آقای دکتر علی امینی - بیعت کسالت ایشان - بیوسیله آقای اسلام کاظمیه ایراد شد .

موضوع سخنرانی " سنت اسلامی و مشروطه " پادشاهی " در ایران بوده که ضمن آن ارتباط شیعه و قدرت سیاسی در ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت .

به رسم متداول ، پس از زهر سخنرانی ، مباحثه ای پیرامون سخنان گفته شده در می گرفت و پیشنهادهای مطرح می شد که معمولاً سخنران یا سخنرانان بدانها پاسخ می دادند ، نکته ای که همه شرکت کنندگان در این اجلاس ، اعم از ایرانیان یا اروپائیان ، درباره آن همدستان بودند این بود که رژیم خمینی دیرباز خود فروخواهد ریخت ، ولی در این باره کدیس از رنگون شدن رژیم خمینی کدام نیروها جا نشین آن خواهند گردید ، در میان روزنامه نگاران اروپائی توافق وجود نداشت ،

با اینهمه برای همه شرکت کنندگان شش درمعه ۸

تجاوز به حقوق بشر در جمهوری اسلامی .

۶ - دوجوان بنام هنده ایرانی : موضوع : جنگ و تعدی به حقوق جوانان در جمهوری اسلامی .

۷ - دکتر عباسقلی بختیار ، عضو شورای نهضت مقاومت ملی ایران

موضوع : ساخت اقتصادی و اجتماعی ایران - برنامهای بازسازی ایران آینده

۸ - احمد میرفندرسکی ، عضو شورای نهضت مقاومت ملی ایران

موضوع : موقعیت و اهمیت ژئواستراتژیک ایران در خاور میانه .

۹ - اوتوین لوک : نماینده مجلس ملی آلمان

موضوع : منطقه خلیج فارس - هدف های سیاست خارجی دنیا ی غرب بعد از استقرار دمکراسی در ایران

۱۰ - دکتر صادق صدریه ، عضو شورای نهضت مقاومت ملی ایران

موضوع : جنگ ایران و عراق - استراتژی نهضت مقاومت ملی برای پایان دادن به جنگ .

شاپور بختیار خطوط کلی و اصلی حکومت و جامعه دموکراتیک ایران آئینده را

ترقیات مادی خم میشود ، می شنوم ، شاعر بزرگ نما ، گوته ، در بستر مرگ و در آخرین لحظه حیات فریاد زد : " روشنائی بیشتر " این روشنائی معنوی است که جا معی بشری امروز گردا گشت ، با رسیدگی ها و بهتر تحمل می کردومی توانست بر بسیاری از تضادهای فاشق آید .

ایران به رهبری دکتر شاپور بختیار ، وجهه نجات ایران به رهبری دکتر علی امینی برای شرکت در آن گرد همائی دعوت کرده بود ، از دکتر بختیار و دکتر امینی به عنوان سخنرانان اصلی این دیدار دعوت شده بود .

سخنرانان این سمینار شرح تعیین شده بودند :

۱ - دکتر هدایترا شمیت ، رئیس مسوؤ سه روابط خارجی بنیادها تن زایدل

موضوع : مقدمه ای برای این کنفرانس .

۲ - دکتر شاپور بختیار

موضوع : قانون اساسی و دمکراسی جا نشین آئینده حکومت مذهبی ملایان .

۳ - دکتر علی امینی

موضوع : سنت اسلامی ، قانون اساسی و سلطنت .

۴ - آرنولد هونتینگر - روزنامه نگار کارشناس مسائل خاور میانه از روزنامه " نوبه زور خرازا بیوتنگ "

موضوع : وضع کنونی سیاست داخلی در ایران .

۵ - یورن زیگلر رئیس جامعه بین المللی حقوق بشر آلمان

موضوع : دیکتاتوری و اختناق بنا م خدا ، پیش با بدعتوان یک سند مقدس و معتبر ایدی دست نخورده بماند - میتوان آن را اصلاح کرد و با مقتضیات روز تطبیق داد . اما همزمان ، باید به ترمیم آثار وجود رژیم کنونی همت کنیم ، تنها میراثی که رژیم خمینی ، بعد از سقوط ، برای ما ، می گذارد ، ویرانی ها و فاجعات انسانی فوق العاده است که باید برای جبران آن ها چاره اندیشی کنیم ، ما ، در سالهای ۱۹۵۰ تا هدمعجزه ، با زسازی و پیشرفت آلمان ویران شده بودیم ، به این جهت است که برای بازسازی و آبادانی کشور ما بعد از خمینی ، به شما و تجربیات شما نیاز داریم .

آقای رئیس ، در پایان سخن می خواهم فکری که خاطر را سخت مشغول می دارد با شما در میان بگذارم ، من صدای ناله بتریت را که پشتش بیش از پیش ، زیر بار فشار

تظاهرات بزرگ ایرانیان در مونیخ

به مناسبت دعوت بنیادها تن زایدل از آئینده در سمینار ، به منظور بررسی مسائل آئینده ایران ، روز جمعه ۵ دسامبر ، در پایان آن سمینار ، تظاهرات بزرگی از سوی ایرانیان در مرکز شهر مونیخ صورت گرفت ، تعداد تظاهرات کنندگان را مقام های پلیس بیش از دوهزار نفر برآورد کرده اند .

اکثریت بزرگ شرکت کنندگان در این تظاهرات را بندگان ایرانی آلمان فدرال تشکیل می دادند ، در اکثر این تظاهرات ، رفت و آمد در بخشهای مرکزی شهر بزرگ مونیخ به مدت دوساعت متوقف شده بود ، در این تظاهرات پیام دکتر شاپور بختیار که روی نوار ضبط شده بود ، پخش گردید ، در پایان تظاهرات دکتر عبدالرحمن برومند ، عضو شورای نهضت مقاومت ملی ایران نتایج سمینار را در روز مونیخ را با اطلاع شرکت کنندگان رسانید ، آنگاه قطبنا مه تظاهرات با ناسید همگانی فرا شد .

گزارش مشروح این تظاهرات را در شماره آئینده بنظرخواهندگان گرامی خواهیم رساند .

حمینان عزیز !

هر روز نعلی صوری بجهت ما رسد
ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح
سازمان در جریان آرمس خبرهای
ایران و جهان قرار می دهد .
ساره تلفنی :

۸۵-۸۵-۳۶-۴۳ - آری

شماره تلفن خبری از ۱۹۹۰ دسامبر ۸۶ :

۰۵-۰۴-۴۰۵۹

سید زینب

سایه، پلویه اسرار، بکیر و بهمنهای اخیر رژیم را بر سر سینه برنا می خود را نشان داد، می خواست به حریفان حالی کند جنک با تروریسم، از راههای دیگری نیز مقدمات و مسی راه میان بر را انتخاب کرده ام.

ریگان جای جای "حسابیت موقوف جغرافیائی ایران" را به "مصلح عالیلهی ایالات متحده" سوندمی زندتا ما جرای برجنجال "فروش اسلحه" را در متن "سیاست کمک به میانه روها" جایبندازد و با رسیای آن راستگین کند.

می گوید: "بایسج میانه روها و میدان دادن به آنها، خود خود تروریسم تضعیف خواهد شد - ثبات منطقه را خواهد گشت و جنگ شش ساله پایان خواهد یافت." بهرحال در این مقاله قسما ارزیابی دلیل ها و نتیجه گیری ها نیست که در حد خود قابل تاء مل و بررسی است. منظور توجه برهان نقطه ای است که بحران را به زندگی و آینده می جوش می دهد.

اولین برداشت از جمع همه استدلال ها و ادعاها این است که: "نقشهای زیان دهن رژیم از درون رژیم حاکم" و یا آنچه درست یا نادرست زیر عنوان "استحاله" شهرت یافته است، رفتارها و زسورت یک پیشنها در خارج می شود و در قالب یک "برنامه عملی" شکل می گیرد و در ساره ای از مراجع تصمیم گیری غرب جا بازمی کند.

توجه به بعضی از نظریاتی که در خط حمله ها و ضد حمله ها مطرح است، خالی از سود نیست.

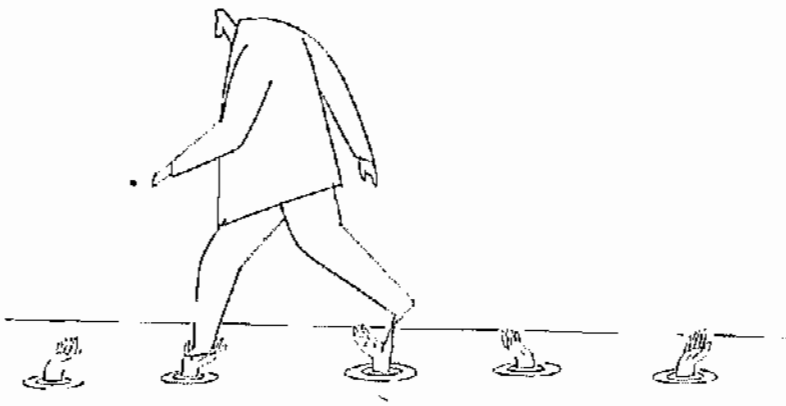
گروهی معتقدند "مشکل از آنجا ظاهر شد که کار را بر حرفه ای ها و اگنذار نکردند و شورای امنیت ملی را "سایه" تهیه و اجرای طرح را بدون مشورت کارشناسان فن پیچیده گرفت." معنای این است که اگر تکردهای زیرزمینی و بندوبست های شش برده که خاس خبرسسان اطلاعاتی و امنیتی است، بکار می آمد، احتمال موفقیت کم نبود. کیسینجر وزیر خارجه ای سبق و ممانارتباط با حین، با این نظر موافق است، معتقد است که "فکر اصولاً بد نیست، نارمائی در عملیات بوده است"، الکساندر هیگ وزیر خارجه بیسین ریگان نیز "با توجه به حساسیت موقع ایران" - نفس ارتباط را رد نمی کند و کم و بیش با نظر کیسینجر موافق است، دسته ای می گویند: "مخالفت یکبارچه دمکرات ها از ریشه رتایت های سیاسی آب می خورد، بهانه می موشسری جسته اند و به کش دادن آن دست کم تا فصل انتخابات با تر رئیس جمهوری بی میل نیستند." این گروه کوشش های کارتر را ایجاد ارتباط با جمهوری اسلامی شایه می گیرند و "مذاکرات الجزیره میان برزیسکی و بازرگان" را بیاد می آورند.

بنا بر این قابل فهم است که چارونالد ریگان، میل دارد مسئله "آزادی گروگانها" بعنوان یک مسئله فرعی تحت الشعاع "برنا می کمک به میانه روها" تلفسی شود، میدانند اگر این فکر قوت بگیرد، طبقاً "صراحت حریفان نیز سبک تر خواهد شد. در عین حال کم نیستند افرادی که میانه

باز هم افسانه های چراغ سبز

دید وسیع تر و عاقلانه تری، اصولاً نسبت به وجود "قشر میانه رو" در جنگل جمهوری اسلامی تردید می کنند، وجهی نسبت به "میانه رو" را در سرائط فعلی فوق العاده دشواری می بینند. و ایست هد "معاون وزارت خارجه از گروه اخیر است. هد، در جلسه ای با جوئی کمیته ای اطلاعات مجلس نمایندگان (۲۴ نوامبر) ضمن پاسخ به سئوالی می گوید: "راستی این است که ما واقعاً نمی دانیم چه عناصری در جمهوری اسلامی میانه رو هستند." و بعداً اضافه می کند: "بگمان من هیئت اعزامی به تهران (هیئت مک فارلین) - در شناسائی و ایجاد ارتباط با "اشخاص" محتلاً" دچار اشتباه شده است." اعتقاد مسلم و منطقی خود ما این است که در معرفی و جوش اسلامی تلاش برای دستیابی به "اعتدال و میانه روی"

دوسوی نرد، امرتانه و تکف انگیزی نیست. "بدرمان تمیل، تفهیم میکنند که معیار دوستی و دشمنی در ترا زوی ما، صرفاً "مصلح خصوصی ما است. سند برادر خواندگی با کسی امضاء نکرده ایم. اتفاقاً "یکای مسیت این حوادث، به نشستن و آموختن از همین راه های خرد ریز و افشاء نده، فرصتی می دهد و به انسان حالی می کند، سفره را به امید دهی آن و این رها نباید کرد. خیرات و میراثی در کار نیست. متاه سفانه در جمع ما ایرانی ها کام نیستند، عناصری که علی رغم این ردیف تجربه ها، هنوز هم از هم و اضعیت ها عاجزند و ریشه ای این عجز، عادت به زندگی انگلی است که رفتارها و تفکرها را حتی از تصور آنگاه بنفلس خالی می کنند و به مرحله ای میرسد که وجود خود را نیز از یاد



ار در حال خارج نیست، یا محمول بی خبری است یا بوشی بر مقاصد که از دیدگاه طراحان "معتدل ترانس" عربی ساختن آن ها با بطلحت نیست، در هر دو صورت با بدبختی وقت صحیح وقوسم ما خریداری نخواهد یافت، مگر آنکه از ستوانده ای یک قدرت "محسوس" بهره مند باشد جز این اگر انتظار را ریم که دستیار آستین خیر بر آید و شاکلی بدسینه می سنجاق کند، همین را علامتی بدانیم که بسختی گرفتار اوها موخوش خیالی شده ایم. بیگانه به عشق رها می ایران، نه رسالتی دارد و نه طبعاً "تجددی بدگردن می گیرد، و از این بابت، مستوجب هیچ تاسوا و حتی گله و شکایتی هم نیست. در خط مصلحت های خود و با میانه رهای خاص خود، روی هر قدمی حسابی بازمی کند و پیش می رود و البته زلفش و اشتباه و محاسبات غلط و کج فکری هم مصون نیست، چه بسیار به بیراهه می رود و می باز دو ما آنچه مسلم است، قعد او بر سودجویی است و ایسن خوان اول از واقعیتی است که بخصوص ذهن کسانی را با بدسرنگه با گردن های خنک شده از انتظار، سالها است چشم به "چراغ سبز" دوخته و کورسوسکی هم ندیده اند.

می برد. برای این قبیل مردمان باور کردنی نیست که ملتی در طرا زملت ایران، بنوا ندروزی و روزگاری با پای خود با یستند و با شس های خود تنفس کند، بیپهوده نیست که در این ابا مسخت مضرب و عزا دارند که چرا همای سعادت عمای می آخوند را بر کلاه آنها رجحان داده است؟! نگارنده ای این سطور بقطع و یقین میداند که تا همین جا و با همین حرفها، به اتهام خوش خیالی و زودبایی حکم صادره لوحی و نا بختگی اوبه امضاء این گروه از هموطنان رسیده است - ولی باکی نیست، راستش این است که هر مصیبتی در این ۲۵ - ۸۵ سال گذشته ما متکبر ما شده، شمرحاکمیت همین "عقلای همه دانی" بوده است که بسی از آنها در مناصب و مسراتب تصمیم گیری، با این روحیه ترسان که (نکنند چکمه های گروهان مستشاری بسه غباری آلوده شود و دنیا را کن فیکون کنند) ملتی را به سوی تاریکی و تیره بختی رانده اند. اما بعکس، مردمی که به قالب های خشک ذهنی مبتلانیستند و برای مغز و شعور خود نیز حساسی با زکرده و اعتباری قائلند، در راستای چنین حوادثی بیش از پیش بیدار می شوند و با طرمی آورند که در همین چهل و چند سال بعد از جنگ جهانی دوم چه بسیار از همین "قدم های قدرت و دست های سرنوشت" در برابر ملت ها کسی

ترجیح - در زندگی با برسی گذر کند - مدعا با سار شی آورند، نجایا تا لک زده پنهان با فلج ما شده اند!

در این شکیبای زار، فضای نفس قدرت حسا است، اختلافی نسبت تفاوت نظرات این نقطه آقا زمی شود که:

عصرا تکالی جز تسلیم و رضا حارهای نمی بیند و عصریه نهار و ما حساب اراده امکان و ریسکستی در این با زار را نیز بعید نمی داند، البته بسرطی که مردمی نخواهند شد تا کاداست بدست بچرخند و دوسیده شوند.

آدمیزاد فرهمند، در سیرامون خود تا هدای فراوان دارد، و بجای چسبیدن به اوها م و حدسیات به شاهها رجوع میکنند و در عین حال بخود حق دآوری می دهد و غالباً "نتیجه می گیرد:

- اگر اراده ای این "خداوندان" به احکام ازلی بندید، در هندستمدید و فقر سرزده و بیارت رفته، همچنان بوسه بر کسب "ما حبان" آبی چشم، بحکم سنت و وظیفه و مشیت خداوندی رواج داشت.

- اگر حترحما بیتا بر با بر سر آقای کلود دورا لیه، دون ژوان و رئیس جمهوری ما دام العمر ها شیتی، سایدای ابندی گسترده بود، اوهم راضی نمی شد، به همه ما سرهنه ها "میراث عزیز" پدر را رها کند و در این دنیا بی پناه در حسرت سربنا هی، بهردری بگوید و بساخی نشنود.

- اگر اراده ای دولت فخمه در مقابل عزم سیاها ن زیمما بوه تاب می آورد آقای یا ن اسمیت میلی ظا هر نبود که جالی کند و از "فضیلت پوست سفید خود" چشم ببوشت.

- اگر آن دستی که هفت سال به تنغ حضرت ژنرال بیگن میقل زد و بدید هیست خروس مردم بجان آمده ای آرژانتین از کار نمی ماند، تیمسار زهم آدگی دانست که بر فهرست بی هزار رسیده نیست و نا بدید شده، سی هزار روشت هزار دیگر رفم بزند و بشگون بخت بیدار هر روز کوحه ویس کوحه های شهربوشنوس آیرس را با خون بیگناها ن آب و جا رو کند.

- اگر آن قدرتی که ۲۵ سال غارت آقای فردینا ندما رکوس و طنازی با نوبی جمیل او را تضمین کرده بود، به عزم را سخلمت به جوش آمده ای فیلیپین، مهربان طیل نمی خورد، این "جفت سنا دتمند" را چه دلیلی بود تا جلال فرعون را به ساکنان حصیرا با دما نیلا بسپارند و بگیریزند.

آدمیزاد فرهمند اگر خوش بین است، خوش خیال نیست، قبول دارد که این جا و آن جا هنوز هم بهره کشی ذائقه ها را تحریک می کند ولی این راهم میداند که سالها است، توسری زدن و توسری خوردن از قلمرو "قضای الهی" خارج شده است.

با وردا رده سلطه گیری زنده است، ولی دیگر چون گذشته ها یکسویه نیست. معتقد است که در این معادله اراده ای بهره دهنده نیز یک رقم تعیین کننده است، در سمرز تصمیم اوست که بنای تسلط قوام بگیرد و یا منهدم میشود.

دیدنی ترین نمایشا هم اکنون در تاء تر شوبنیا د "میانه روی" روی صحنه است. یک سو آخوند در مانده، پس از هفت سال ناگهان با زخواب قدس و کربلا و خلافت کره

پیام دگتر تاپور بختیار

به کنفرانس جامعه‌ی اروپا

تعدی به مردم ایران موجودیت خود را حفظ کرده است و با توسل به اسلحه، مرتکب نقض فاحش حقوق بشر گردیده است. بدین لحاظ نمی‌بایست به هیچ عنوان مورد قبول کشورهای دموکراتیک اروپا قرار گیرد.

علاوه بر این شواهد غیرقابل انکاری وجود دارد که جمهوری اسلامی عامل تنظیم و توسعه تروریسم بین‌المللی است و در سایه رهبری موحی خمینی، دولت اسلامی، امروزیک دولت تروریستی است. تحریک اشتیاق چنین رژیمی از طریق تشفیه آن که اقدام موهن اخیرا آمریکا یعنی فروش و ارسال اسلحه به جمهوری اسلامی، نحوه بارز آن است، یک محاسبه خطرناک به شما رمی رود که موجب طولانی شدن جنگ منطقه خلیج فارس و عدم ثبات خاورمیانه خواهد شد.

درخواست من از شما به مناسبت اجتماع سران اروپا در لندن، اینست که صریحا اعلام دارید آنچه که ممکن است انجام خواهد داد، دتا فروش اسلحه به طرفین جنگ ایران و عراق تحریم گردد و در مقابل هر نوع تحرکی در جهت توسعه روابط با رژیم خمینی - که به منزله یک راهزنی بین‌المللی است - ایستادگی خواهید کرد.

دکتر تاپور بختیار رهبر نهضت مقاومت ملی ایران ضمن ارسال پیامی به کنفرانس سران دوازده کشور عضو جامعه اروپا که در لندن برگزار شده است، هشدار داد که تحریک اشتیاق جمهوری اسلامی از طریق تشفیه آن محاسبه خطرناک است که موجب طولانی شدن جنگ در منطقه خلیج فارس و عدم ثبات خاورمیانه خواهد شد.

متن نامه رهبر نهضت مقاومت ملی کذب کنفرانس روی دوازده کشور عضو جامعه اروپا در لندن تسلیم گردید، چنین است: "من از طرف تمام کسانی که آرزو دارند روزی نظامی مبتنی بر دموکراسی در ایران برقرار شود و با ممول حقوق بشر و قوانین بین‌المللی احترام بگذارد، از شما و تمام همکارانتان تقاضا دارم که زهر شوع اقدامی در جهت آنچه که به اصطلاح عادی ساختن و توسعه روابط کشورهای اروپای غربی با رژیم خمینی تعبیر می‌شود، خودداری کنید. اشتیاقی خطیرتر از این نخواهد بود که تصور شود رژیم خمینی دائمی است، یا اینکه رژیم خمینی از بن این رژیم می‌تواند سربر آورد که مورد قبول قرار گرفته، وضع ناپذیری داشته باشد.

رژیم فتنی اسلامی فقط به تکای ظلم و



محمدظرافت خوا و اما حقه صری دوشن از تروریست های خمینی

تروریست‌های خمینی شناسایی شدند

این سه تروریست سی از کشتن به سر با ز نهضت مقاومت ملی ایران به شهران باز گشتند. افسران عالی‌رتبه‌ی نهضت سرگرد بهروز شاه‌وردی در منزلش به قتل رسید، سرهنگ‌ها دی عزیزم را دی در برابر خانه‌اش ترورید، و سرهنگ‌ها مدفرزانه را تروریست‌ها در استنگ‌ها تویوس به قتل رساندند.

بنابراین اظهار ریلجی استانبول، عکس و مشخصات این سه تروریست به تمام مرزهای ترکیه ارسال شد و همچنین در اختیار پلیس بین‌المللی قرار گرفت.

طبعیت می‌نویسد: ظرافت خوا، افسر سازمان ساوا، به یادش چنان با تی که به دستور رژیم خمینی در استانبول انجام داد، درجی سروانی را به دست آورد و هم‌کنون در شهران اقامت دارد.

طبعیت، جاب ترکیه، در شمار ۴۷ شوا میر خود، گزارشی در باره شناسایی قاتلان سه سر با ز نهضت مقاومت ملی ایران، همراه با تصویر دوشن از آن‌ها به جاب رسانده است. بخشی از این گزارش در شمار گذشته قبا ما ایران به جاب رسید.

طبعیت زیر عنوان "مشخصات جاب سوسان خمینی در استانبول کشف شد" می‌نویسد: پلیس استانبول به دنبال تحقیقاتی که به عمل آورده هویت قاتلان ۳ افسر ایرانی عضو نهضت مقاومت ملی در استانبول را کشف کرد.

بر اساس این تحقیقات، پلیس که موفق به شناسایی محل اقامت تروریست‌های خمینی شده بود، اسامی تروریست‌ها را بد این شرح اعلام کرد: سروان محسن ظرافت خوا، بورانی - وزنی به اسم ابا حقه صری.

شاه‌خانه تمام عیار

بقیة ز منحة

گرفته تا تک تک افراد ملت، میان‌شور هستند. " رفسنجانی سراجی فراموش کرد این تهدیدهای گذشته خود را که گرچنین وحشان شود، ساختن اسلام سرا سر خلیج فارس و منطقه بیرون آن را غرق آتس و خون خواهد کرد - فراموش کرد این تهدیدهای بی‌سرا که سرهای ناسا همان و امیران منطقه، یکی پس از دیگری، سر خاک خواهند رفتید و تخت و تاجان یکی پس از دیگری بر باد خواهد رفت. فراموش کرد این تهدیدهای خود را نسبت به زنان و جوانان میهن ما، که اگر سواک با رفتارشان طوری باشد که امت حزب اللس را به خنم آورد، کناه آنان به گسردن خودشان خواهد بود.

در نما ز جعبه تهران، درست مانند یک شاه‌خانه، با زیگران بدون وجود دارند و با زیگران متوسط و خوب نیز، برخی همان راه‌های نقش‌ها را خوب ایفا می‌کنند و پاره‌های نقش‌ها را بد. مثلا " موسوی اردبیلی بهترین جلوه را هنگامی می‌کند که در نقش آدم‌های اسلحه‌خنگ ظاهر می‌شود. سیدعلی حاتمندی وقتی که می‌خواهد نقش لایزن را بازی کند، مهارت بیشتری نشان می‌دهد تا همگامی که می‌خواهد در نقش فرمانده نظامی جلوه کند. علی اکبرها سنی رفسنجانی، کسه بیشتر از همه در آن شاه‌خانه نقش بازی می‌کند، ظاهر " از دیگر همپایانک‌های استعدادهای هنری بی‌شکی بی‌شکری دارد. گردش‌های صدوشتاد درجه‌ای او انسان را بی اختیار به نقش هنرپیشه‌های ماهری می‌اندازد که فایده، میان دوشن کا ملا" متفا در اینگاه جهان می‌بیند که کمتر سیننده‌ای متوجه آن می‌شود.

کاه یک با محکومان قاچاق مواد مخدر را در ملا عام به‌دار خواهد دید و بیخست، فراموش کرده است این را که در همین جمهوری اسلامی نوجوانان نابالغ و زنان باردار را تیرباران کرده‌اند. نیز فراموش کرده است این را که تندروی و خونسخت به حدی است که هر چند وقت یک بار " فتنه‌آلود" آیت‌الله منتظری زبان بد نصیحت می‌گفت و بدو حزب الله را از اعمال خونسخت بر حذر می‌دارد.

ها سنی رفسنجانی ظاهرا " به‌سادگی فراموش کرده است که در جمهوری اسلامی، آنجا که زبان کلکولوتو زبان نه و تک‌تک خا موش می‌شود، زبان جاب و جملای و پنجه‌بوکس، زبان اهاشت و دشنام و آبروریزی به سخن گفتن با زمی نمود، و حالا تا که این جمهوری اسلامی به چشم بهمزدنی تغییر ماهیت داده و نه تنها عناصر میانه‌رو در آن اکثریت پیدا کرده‌اند، بلکه "کل نظام، از رهبری گرفته تا تک تک افراد" همه میانه‌رو شده‌اند.

گوناگون می‌انجامد، ولی ملت ایران، که وی اکنون تک‌تک آنها را " میان‌شور" می‌خواند، این را فراموش نکرده است و هرگز فراموش نخواهد کرد.

ملت ایران خوب می‌داند که پیش آمده است که رفسنجانی، به‌شماره خمینی است، البته، صلاح در این می‌بیند که تندروی‌های کل نظام جمهوری اسلامی را بکسره فراموش کند و بگوید که، بله، " فر ما از کرگی دم‌نداشت.

واقعیت این است که رفسنجانی، هر چند در لغات و کلمات و گزارش‌های متداول، می‌خواهد خودش را برای غرب، بویژه آمریکا، نویسد که در پی یک انقلاب تمام‌شود و کنشون جمهوری اسلامی فقط یک چهره دارد و آن چهره، صالح جووانی استی طلب است. اما رفسنجانی و جمهوری اسلامی او در زیر این نقابا همیشه خنده‌دار تر جلوه می‌کنند.

خطر تجدید نظر

شادلی طبعی دبیرکل اتحادیه‌ی عرب، در تونس گفت: موضع جابیدا را تدبیر که آمریکا برای فروش اسلحه به جمهوری اسلامی اتخاذ کرده فوق‌العاده و خاست با راست دبیرکل اتحادیه‌ی عرب واشنگتن را متهم کرده که به تعهدهای خود عمل نمی‌کنند و گفت عدم فروش سلاح‌های آمریکا حتی در حد دفاعی به کشورهای عربی که با آمریکا روابط نزدیکی دارند، اکنون مورد سؤال فراموش می‌گردد. زیرا عین همان سلاح‌ها را آمریکا از سال ۱۹۸۵ به جمهوری اسلامی تحویل داده است.

شادلی طبعی دبیرکل اتحادیه‌ی عرب، در تونس گفت: موضع جابیدا را تدبیر که آمریکا برای فروش اسلحه به جمهوری اسلامی اتخاذ کرده فوق‌العاده و خاست با راست دبیرکل اتحادیه‌ی عرب واشنگتن را متهم کرده که به تعهدهای خود عمل نمی‌کنند و گفت عدم فروش سلاح‌های آمریکا حتی در حد دفاعی به کشورهای عربی که با آمریکا روابط نزدیکی دارند، اکنون مورد سؤال فراموش می‌گردد. زیرا عین همان سلاح‌ها را آمریکا از سال ۱۹۸۵ به جمهوری اسلامی تحویل داده است.

وی نه تنها بخنان دیروز خود را فراموش کرده است، بلکه سخنان همین امروز سیاری از عتبات تندرو در جمهوری اسلامی را از یاد برده است که می‌گویند و تکرار می‌کنند که انقلاب اسلامی با به هم‌چنان با خونریزی تمام به راه خود ادامه دهد. فراموش کرده است سال‌های گذشته را که مردم بیگناه با کم‌گناه را دست‌سسته در جلو چشم همگان در گذرگاها و خیابان‌ها تیرباران می‌کردند، فراموش کرده است حرف‌های همین چند روز پیش آیت‌الله شیخ عبدالکریم موسوی اردبیلی را که گفت برای عبرت گرفتن دیگران هر چند

از این حیث بررسی سخنرانی‌های او در نماز جمعه‌های نکته‌های در خور توجهی است: از جنبه‌های فکاهی نیز خلسای نیست، او در آخرین سخنرانی‌ش در شاه‌خانه، نماز جمعه‌های هاشمی زد که تاکنون کسی از او نشنیده بود. در این سخنرانی معلوم شد که نه تنها وی، بلکه " کل نظام جمهوری اسلامی، از رهبری

ایران و خاور میانه



در مقبولات بین المللی

جنگ جانشینی

هفته نامه "نول ابسرواتور" چاپ پاریس در گزارشی زیر عنوان "جنگ بر سر جانشینی خمینی آغاز شده است" به قلم "پیر بلانشه" می نویسد: در نماز جمعه ۳۰ آبان در دانشگاه تهران شعارهای مرگ بر آمریکا و مرگ برریگان شیدا لحن تراز همیشه بود و به وضوح حالت ناآرامی بین ده تا پانزده هزار نفری که در نمازهای جمعه تهران شرکت می کنند دیده می شد.

در پایان نماز، جوانان در شعارهای خود، غیرمستقیم هاشمی رفسنجانی مرد شماره ۲ رژیم و احمد خمینی را مورد حمله قرار دادند.

"نول ابسرواتور" می نویسد: شواهد و قرائنی که از ایران می رسد با یکدیگر تطبیق می کنند. جنگ برای جانشینی آیت الله خمینی ۸۶ ساله بشدت جریبان دار و در این میان دوتن از سایر ملاها یک سر و گردن بالاترند. یکی آیت الله حسینعلی منتظری ۶۴ ساله یا قدیمی خمینی و جانشین موعود وی و دیگری هاشمی رفسنجانی ۵۴ ساله سیاست باز مخوفی که از تغییر بردادن اتحادیه های خود باکی ندارد. مسئله دا به جنگ با عراق در مرکز تبریز قرار دارد. رفسنجانی واقع گرا، نخستین کسی بود که دریافت پیروزی نظامی بر عراقی غیرممکن است. او دو سال تلاش کرد آمریکا را قانع کند که جمهوری اسلامی تنها به سقوط صدام حسین رئیس جمهوری عراق راضی است. وی حتی تا آنجا پیش رفت که علنا "اعلام کرد: " ما حاضریم با حکومتی طرفدار آمریکا در عراق به مذاکره بنشینیم." وی از بزرگ برنده فوق العاده ای نبیست بهره مند است و آن بشتیانی احمد خمینی است.

"پیر بلانشه" در تفسیر خود می افزاید: با سدا ران انقلاب، بسیجی ها و داوطلبان

جنگ و آخوندهای جوان با مذاکره با آمریکا مخالفتند. و در این میان مخالف پروپا قرص ترده ترکمک به نهضت های آزادی بخش اسلامی است که نبرد علیه رفسنجانی را شدت می بخشد. این دفتر که تحت سرپرستی مهدی هاشمی، عضو اردو دسته منتظری قرار داشت حزب الله لبنان و جنبش های مقاومت در کشورهای خلیج فارس را هدایت می کرد.

نول ابسرواتور می افزاید: بسیاری از وقایع متفا د چون گروگان گیری، مذاکره برای آزادی گروگان ها، آزاد شدن آنها و تروریسم را میتوان در پرتو اختلافات شدید بین دا اردو دسته منتظری و رفسنجانی بررسی کرد. واقعه عجیبی در با شیزز امسال سیرو قایع را شدت بخشد. کاردار سوریه در تهران بوسیله طرفداران مهدی هاشمی ربوده شد. جنای بعدی هاشمی به همراه ۱۵۰ تن از بارانش دستگیر شدند. اما طرفداران منتظری ضد حمله را آغاز کردند. دانشجویان خط امام اعلامیه ها ش منتشر کردند که در آنها سفر مخفیانه مک فارلین به تهران، فاش شد. آنگاه رفسنجانی ناگزیر بنا بید کرد که مک فارلین به تهران آمده است اما برای ما ست مالی کردن قضیه مدعی شد که کسی در تهران با مک فارلین مذاکره نکرده است که این سخنان را کسی باور نکرد. به دنبال افشای این قضیه بحب و جنجال در همه جای ایران از جمله در جبهه ها آغاز شد. موضوع مذاکره رژیم با آمریکا در همه جا مطرح است. دانشجویان خط امام طی کنگره ای از خمینی خواستند نظر خود را بیان کند. او پاسخ داد که کاخ سفید تبدیل بدکاخ سیاه شده است اما از محکوم کردن رفسنجانی خودداری کرد. در واقع خمینی که کا ملان در جریان مذاکره با آمریکا بود میخواست هدبترتری خود را بر جناح های درگیر جمهوری اسلامی حفظ کند و کم سخن می گوید.

روز ۲۹ آبان ماه زیر فشار جناح چپ تندرو مهدی هاشمی و طرفدارانش (با وجود آنها مات بسیار سنگینی که بر آنها وارد شده بود در جمهوری اسلامی هریک برای اعدا منتهی گامی است) آزاد شدند. این برای منتظری یک پیروزی بشمار می آید. نا جنگ برای جانشینی خمینی تا زده در تهران آغاز شده است. نول ابسرواتور - اول دسامبر ۸۶

تعویض سلاح ها!

روزنامه واشنگتن پست چاپ آمریکا بنقل از منابع مطلع نظامی در آمریکا و اسرائیل نوشت: به هنگام تحویل بخشی از سلاح های آمریکا به جمهوری اسلامی در آبان ماه سال گذشته از طریق اسرائیل، دلالت های اسرائیلی بد جای قطعات یدکی نوع جدید موشک های ضد هوایی "هاوک" قطعات نوع قدیمی این موشک ها را به جمهوری اسلامی فرستادند. به گفته این منابع، تعویض قطعات مذکور، ناشی از بی اطلاعی دلالتها در امر اسلحه بوده ناشی از قصد کلاه برداری. تعویض قطعات، هشتم آمریکا و جمهوری اسلامی را برانگیخت و باعث شد که آمریکا از آن پس، قطعات مورد نیاز جمهوری اسلامی را مستقیما "از انبارهای اسلحه خودتاء" مین کند، نه مانند قبل از انبارهای اسلحه اسرائیل. به نوشته واشنگتن پست، دلالت های اسرائیلی قطعات یدکی نوع قدیمی موشک های هاوک را به جمهوری اسلامی داده بودند نه آنطوری که جمهوری اسلامی خواسته بود. قطعات موشک های "هاوک" - آی "را که نوع جدید موشک ها وک است، رژیم تهران، قطعات دریافت شده را به اسرائیل پس فرستاد و کاخ سفید از آن پس تصمیم گرفت از مراجع به دلالت های اسرائیلی خودداری کند و از آن پس قطعاتی را که از انبارهای خودتاء مین کرده بود، از طریق اسرائیل به جمهوری اسلامی فرستاد.

واشنگتن پست - ۲ دسامبر

ایتالیا، بهانه ی جدید

روزنامه ی فینکا روزیروز عنوان: هیچ چیز میان جمهوری اسلامی و ایتالیا روبه راه نیست. می نویسد: بنظر نمی رسد که تهران وقتی اعلام می کند که فیلم کوتاه پخش شده از تلویزیون ایتالیا، به مقدسات مذهبی تمام مسلمانان عموما "شخصیت خمینی" بخصوص، توهین کرده است، قصد شوخی داشته باشد. زیرا در تمام آن سه دیپلمات ایتالیا بی را از جمهوری اسلامی اخراج می کند. انجمن فرهنگی ایتالیا در تهران را تعطیل می کند و سفیر خود در رم را فرامی خواند. واپس همه را سخنگوی وزارت خانه همداری قبل از در سرهای جدی تری می کند. در سرهای از نوع تظاهرات حزب الهی های تحریک شده در برابر سفارتخانه، چنانچه درم از توهین به بزرگترین مقام روحانی رژیم عذرخواهی نکند.

فینکا روپس می نویسد: ظاهرا "توضیحات مدیر شبکه ی تلویزیونی که گفته است قصد توهین به هیچ مقام یا شخصیتی در میان نبوده و توضیح وزارت خارجه ایتالیا مبنی بر اینکه سیاست خارجی ایتالیا را برده ی کوچک تلویزیون تعیین نمی کند برای جمهوری اسلامی کافی نبوده است. نخست وزیر رژیم اسلامی ضمن محکوم کردن نمایش این فیلم به عنوان یک عمل توهین آمیز گفت، ایتالیا بی هما

شماره ۳۶۳

جنگ نفتکش ها

بعسک های متعددی در سواحل دریای مدیترانه دیده می شود. در سواحل آنها را در محل غرق کرده اند. سکا به بد بزرگترین حمله سکا در سواحل دریای مدیترانه است. حمله سکا سوری سواحل مدیترانه اما با متحدی عربی توسط هواپیمای ساسان سواران مدیترانه آن دن کسب و سودی محروم شدند. اکنون بنظر نمی رسد که هیچ سکا از اسباب معنی حمله فارس را سواران حمله در آنان باشد. جمهوری اسلامی در حمله به سواحل ساسان یعنی وکسی ها در حمله فارس از جنگو سراسرهای محترم موشک استفاده می کند. اما سرع حطراتی که وجود دارد در بعسک ها سکا طرفدای عظمی کند وجود دارد همچنان به آدورفت خود در حمله فارس ادامه می دهد. در ضمن حال سرخی آرایش بعسک ها سواحل مدیترانه سبزه شده اند که مدعیان محسوفی اتحاد می کنند و را دار خواهانها های مهاجم را کمسراد می سازند. تا رنسی با زمان بعسک های اتحاد بدی حطراتی کسی داران حسدی ساسان اعلام کرد که در صورت سبزه حطرات ساسان طرفداران مالک بعسک می سرسبز در دریای فارس را محترم کند.

گزارش لویدرد - ۲۸ سوا ۸۶

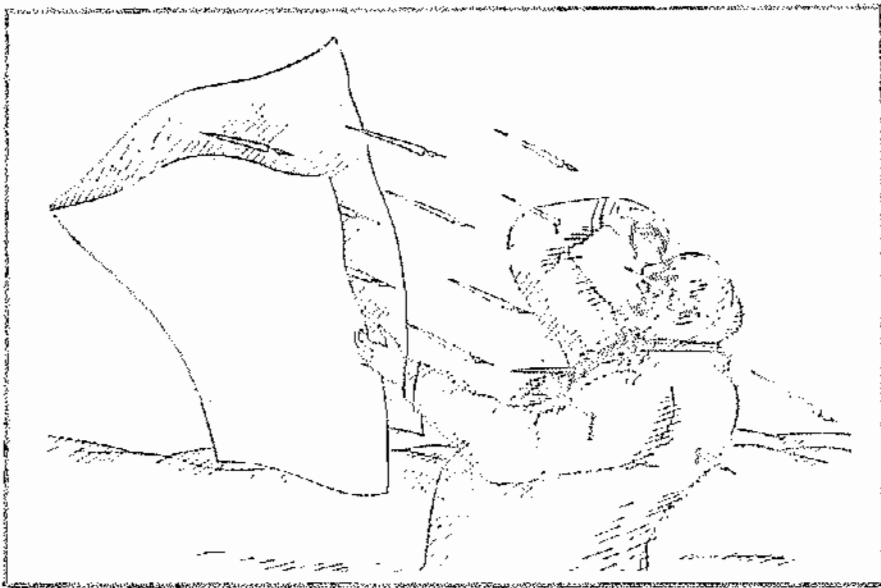
بعسک های ساسان سرک سمدی لویدرد لندن، حمله ی هوایی عراق به جزیره ی لارک از سمد حنک بعسک ها در حمله فارس و کسری آن ساسک های همبرجک است می کند. سراسر کراس های لویدرد لندن، از آغار حک جمهوری اسلامی تا عراق در سال ۱۳۵۹ تا بد حال، مجموعا ۲۵۸ کسری مورد حمله قرار گرفته اند. ۲۱۶ نفر را رگبار بعسک ها و کسری های دیگر کسب شده اند. ساسانی لارک در سراسر ساسان هواپیما های عراقی در حمله فارس است. سکا کراس های لویدرد در آن ساره کسب: عراقی ها از سراسر سواحل ساسان در سراسر و بالاحره ساسانی لارک را مورد حمله قرار دادند.

آمارگیری های روزانه ی سرک سمدی لویدرد لندن فقط شامل گسترش جنگ در حمله فارس نمی شود. بلکه به مستباح حمله بد کسری ها بر توجده دارد. از آغار سال ۱۹۸۶، ۹۷ کسری شامل بعسک و کسری بخاری در حمله فارس مورد حمله قرار گرفتند. این تعداد د کسری معطوف بد ۲۲ کشور متفاوت بوده اند. سراسر از ساسان عراقی ساسان بعسک بوده اند و جداتل سی بعسک، طرفدای ساسان ۲۵۰ هزار ساسان است.

در سمارای از موارد ساسان

راديو ايران ساعت های پخش برنامه
برنامه اول
ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ صبح و ساعت ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ بعد از ظهر
روزهای ۱۹ متر (فرکانس ۶۰۵۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۹۴۰۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲:۵۵ تا ۲۳:۵۵ به وقت تهران و روی امواج کوتاه (فرکانس ۹۴۰۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۹۴۰۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۹۴۰۰ کیلوهرتز).

فرهنگ 'ولایت فقیه'



آدمی وقتی می‌خواهد در باره رژیم ولایت فقیه و کارگزاران آن چیزی بنویسد یا بشنود، با ندپیس از هر چیز در "سازمان عاظمی" و از همه، تجدید نظر کند؛ زیرا در برابر آن همه روزگار می‌گذرد و آنچه که در انجام می‌دهند، به کارگیری واژه‌هایی چون: دروغ، ریا، فریب، نیرنگ، حیاول، غارت، جنایت و غیره، با بار عاطفی معمول سان، حتی مطالب را ادا نمی‌کنند؛ "ولایت من در آورده فقیه" طریقه رژیم است که توضیح و تبیین آن با فرهنگ‌های شناخته شده، جوامع انسانی امکان پذیر نیست. این "عقربت تاریخی" را نمی‌توان همسنگ ده‌ها حکومت خودکام و دروغزن دیگر قرار داد؛ دویا زبان و قلم قابل فهم برای همه، خودکامان ریاکار تاریخ به مصافش رفت، مثلاً "هنکا می‌کند رژیم، خودراند" غربی و نه شرقی، می‌نامد و بعد آشکارو پنهان دست پلید خود را پیش "شیطان بزرگ" دنیا دراز می‌کند تا برای ماندن خود "مدقه بگیرد، کدام واژه را، با کدام مفاهیم می‌توان در باره اشیکا گرفت؟ هنکا می‌کند رژیم، نهایت آرمان خود را "فتح قدس" و تابودی اسرا شیل" عنوان می‌کند، و بعد آشکار می‌شود که پایه‌های از پایه‌های منبر قدرتش بردوش "اشغالگران قدس" است و برای ادا همه جنگ و کشتار، از آنان اسلحه می‌خرد، به کدام مفت موجود در فرهنگ‌ها می‌توان موصوفش ساخت؟

هنکا می‌کند علی‌خامنه‌ای از "سیات و است" کم نظیری که تریا حیوری او در منطقه بدرجود آورده است، حرف می‌زند ما هنکا می‌کند، سخن اکثر رفسنجان می‌جده ماه را بلند شناسی با "شیطان بزرگ" را به عنوان دلیل "شیطان" و "ورسکتی" آمریکا تلمذ آدمی کند یا هنکا می‌کند میرحسین موسوی - که دولت لایق و کارآمد، آب و برف و نمان و گوشت و سبزی را جیره بندی می‌کنند و حتی خودکار رومادو کاغذی‌های دبستانی را نمی‌توانند امین کنند، از "خودکفایی" رژیم سخن می‌گوید، حدمی ششون در برابرشان گفت؟ با کدام واژگان، با کدام بیان، می‌توان این همه دروغ و نیرنگ و وقاحت را تصویر کرد؟

شیخ اکبر رفسنجان می‌کند بهتر از هر کس این طریقه رژیم ولایت فقیه را می‌شناسد، تکلیف همه را روشن می‌کند، می‌گوید: " ... اشکال ما اینست که ما رانمی‌شناسند و این از عجایب است که بعد از هفت سال اینها مکتبیم عمل جمهوری اسلامی را نمی‌شناسند ... نایدعلت آن است که اینها مکتبیم عمل فرهنگ مذهبی، آن هم از میان فرقه‌های اسلامی، بخصوص فرقه "شیعه" رانمی‌شناسند، آن‌ها از طرز تفکر شیعه و ولایت فقیه ... بیگانه اند؛"

شیخ رفسنجان می‌گوید که هیچکس تا هشت سال پیش این "نوبر" رژیم‌های خودکامه تاریخ رانمی‌شناخت سخن

درستی گفته بود، ولی این که بعد از هشت سال هنوز این "عقربت تاریخی" را نشناخته‌اند، با زا دروغ‌هایی است که از همان "مکتبیم ولایت فقیه" برمی‌خیزد؛ همه، چنانچه، امروز این عقربت بر خاسته از کورجیل و ظلمات تاریک شناسند، تنها در مانده اند که پندار و گفتار و کردار اهریمنی او را چگونه با معیارهای فرهنگ امروز، توجیه و تبیین کنند، مردم دنیا به حیرت افتاده اند که چگونه ممکن است این همه دروغ و دغل و ظلم و ستم، بنا عت، یکجا در رژیم جمع شده باشد. شیخ رفسنجان می‌گوید: " ... اگر این مکتبیم را در غرب هم کنند و بفهمند که چه چیزی در اینجا هست، از خیلی از این تلاش‌هایی که می‌کنند دست برمی‌دارند ... از کارهایی که شما می‌توانید انجام دهید اینست که تلاش کنید آن‌ها بفهمند اینجا چه خبر است ... بخشی از آنچه که رفسنجان از سفیران خود

می‌خواهد، تحصیل حاصل است، یعنی همه دا نستاند که "آنجا چه خبر است"، ولی "هم" آنچه که "و" مکتبیم "ولایت فقیه" می‌نامد، هیچگاه برای هیچ شناخته شده‌ای امکان پذیر نیست؛ ابعاد دروغ و ظلم و جنایت این رژیم سده‌های میانه، برای هیچ کس قابل تصور نیست، چه برسد آنکه هم ندانی باشد.

شیخ رفسنجان می‌گوید: " ... حرف ما اینست که این نظامی که این "جاذبه" را دارد، چیست و تا زه‌ای در دنیا است ... دنیا باید قدری صبر کند تا این‌ها را درک کند ..."

ملاحظه می‌فرمائید، آدمی درمی‌ماند که در باره رژیم ولایت فقیه و کارگزاران آن چه بنویسد و چه بگوید، هنکا می‌کند شیخ رفسنجان می‌کند سخنگوی صلی "ولایت فقیه" دروغ و ظلم و جنایت و کشتار را "جاذبه" می‌نامد با کدام واژگان، می‌توان جوابش داد؟ آیا واژه "وقاحت" حق مطلب را ادا خواهد کرد؟ هرگز!

ما را بزرگ بدارید!



سیاسی نسل جوان سخن می‌گویند. روزنامه‌ها به گلایه می‌نشینند که جوانان دیگر در محنه نیستند و انقلاب را رها کرده‌اند؛ می‌نویسند: "حضور این نسل زنده‌ی پرشور در تمام زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی است که ما می‌شادایی نظام جمهوری اسلامی است. به هر مقدار که این حضور کا ستی یابد، به همان نسبت طراوت و نشاطی نظام نیز کا هش می‌یابد؛"

اما خوشحال مردم ایران و بدحال سیاهکاران که اینک غیبت جوانان در این محنه خونین، طراوت و نشاطی نظام موطن فروشان را از زمین برده است، این روزنامه‌ها برای این که زیا دهم دروغزن جلوه نکنند، پس از آنکه حما سه آفرینسی طیف وسیعی از جوانان را به رخ می‌کشند، بلافاصله اضا فده می‌کنند: "اما در کنار این واقعیت بسیار شیرین و شورآفرین، این واقعیت تلخ و دردآفرین نیز پنهان نیست که طیف گسترده‌ای از جوانان مادر برزخی از کود و خا ری فرهنگی و سیاسی برمی‌برند. جز آن ورتترین این کسه نهادهای فرهنگی و تبلیغی جا سسسه و مسئولین ذی ربط این در در احساس نمی‌کنند و یا احساس نموده لکن آنرا امری طبیعی و قهری دانسته و چاره‌ای بر

آنها که از آغاز خلافت جماران نه به پیرترجم کردند و نه به خرد و جوان و تیش به دست، هر ریشه و ساقه جوانه را از زمین بردند، اینک در آخرین فصل با زی، غم ریشه می‌خورند و از خلا فرهنگ و سیاسی نسل جوان سخن می‌گویند. آنها هرگز به صورت مساء له کاری ندا رند و فقط به جواب می‌پردازند، و مثلاً این که: "بی توجهی و بی تنافس سیاسی در دنا نشکا هها دردناک ترا زهرجای دیگر است و با بدجا ره‌ی اندیشید و روح فعال دانشجویی را دویا ره چون اول انقلاب زنده کرد؛"

روزنامه‌های جمهوری اسلامی اینک اعتراض می‌کنند که: "امروز وضعیت فکری و سیاسی جوانان با سالهای اول انقلاب تفاوت چشمگیری پیدا کرده است، آن زمان جوانان در محنه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حضور بسیار فعال تری در قیاس با حال داشتند، اما اکنون با تنزل شدیدی مواجه هستیم؛" آیا اینان برآستی پس از هشت سال وحشت و تکبیت و سرک همچنان منتظرند که جوانان ایران زمین برای مرگ فروشان، منت گره کنند و فریاد زنا ن زیر علم خونین شان سینه بزنند؟ نمی‌بینند که جز معدودی فریب خورده و فرصت طلب و مزدور، کسی در محنه نیست و تنها شاخه‌ای نکبت و وحشت خمینی و شرکاء هر شب خالی خالی ست و حتی یک مشتوری ندا رد؟ مرگ فروشان اینک از خلا فرهنگی

بقیه از صفحه ۲

مارا بزرگ بدارید!

آن نمی اندیشند و متاسفانه سفارند در بند سطحی نگری و مجرد نگری گرفتار آمده اند! این روزنامه ها، در این دم آخر، شوخشان از زرد پای آفت "قشری نگری" و "محدود نگری" سخن می گویند و این که می توان از زقشرو پست پا فراتر نهاد دوبه عمیق و مغز پزیده های هستی راه یافت، به بیابان اینان، در این دم آخر، نیاید در عقل را تخته کرد، که با بیدار زقشری نگری دست برداشت و به زرف نگری رسید! آنگاه بسا حسرت به روزهای پیروزی بلدای سیاه جماران برسیده دم! میدو آرزوی ملت ایران به راه ترزیستن می نگرند و می گویند: "آن ایام، جوانان در صحنه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حضور بسیار رفعا لتری در قیاس با حالاداشتند، کتابخانه ها شاهد حضور گسترده ای از آنها بود. آموزش های عقیدتی و سیاسی با استقبال پر شور و عطشناکی روبرو بود، در حدی که تغذیه همه آنها از عهده نیروهای آموزش دهنده خارج بود! در حیطه مدارس و مراکز آموزشی، حضور در بحث های سا زنده سیاسی و انقلابی و عقیدتی بسیار گسترده می نمود و کتب مذهبی و مکتبی در تیراژ وسیعی منتشر و در اندک زمانی کمیاب می گشت. اما درینا که امروز در همه این زمینه ها و مقوله های دیگر فرهنگی، بسا تنزل شدیدی مواجه هستیم، جای سؤال است که آن شور و حرارت و آفری که نسل جوان نسبت به مقوله های سیاسی و انقلابی نشان می داد و خود را فعالانه برای حل مشکلات انقلاب مطرح می کرد، کجا رفته است؟! روزنامه های جمهوری اسلامی این بار از قرا ربه صورت مسأله هم پرده خسته اند. می گویند: سیکاری وعدم وجود بیدار گسترده گار سبب گشته است که در جوانان روحیه بی نگران و متزلزل پدیدار گردد، نگرانی از تاء مین معاش سبب شده است که جوانان از ازدواج قرا رکنند، عواما مل دیگران نیز بایددرد مسئله جستجو کرد؛ فضای نامطلوب سیاسی و عملکرد نامناسب سا زمانها و نهدای فرهنگی و تبلیغی، این همه، نهادت خمینی ستیزان نیست، اعتراف روزنامه های خودشان است، روزنامه ها، غیبت جوانان را در صحنه ای انقلاب ایران سوزچین برمی شمردند: "رواج تعلق و جابلوسی و با لظبع حاکمیت فرصت طلبان، دلایل برخورد های خشک و خشن، تندروها و کندروها و تنگ نظری و عوام زدگی در ایجاد این برخورد سیاسی و اجتماعی نقشی عظیم دارند. نا همآهنگی ها، ندانم کاری ها و عدم پیروی از یک خط مشی صحیح و اصولی تبلیغاتی، وجه غالب این عملکرد است. کارهای تبلیغاتی ما غالباً از نصب پوستر، فروش کتاب و برگذاری مراسم فراتر نمی رود! اکثر آن چه را که راه می کنیم، یک سری نوجه خوانی و دعا خوانی ست، بی آنکه متوجه باشیم این مراسم حال و هوای مناسب را می طلبد و این گونه

سمینار بررسی مسائل آینده ایران

بعد از رژیم خمینی

بقیه از صفحه ۲

اروپا می در آن کردها می دوروزه بسیار جالب بود که با مردانی از نزدیک آشنا شوند با آشنا می بیشتری پیدا کنند که آهنگ آن دارن رژیم خمینی را، بسا وسائلی که در اختیار دارند، برافکنند و یک رژیم دموکراتیک به جای آن بنشانند. چنین می نمود که برگذا رکنندگان این کردها می، به ویژه "دیتر شمیست" گرداننده آن کردها می ورثیس موه سسه روابط خارجی آن بنیاد، خاطر ها و برداشتهای ما ندنی از این دیدار بدست آورده با شده که در شکل گیری سیاست آینده آلمان فدرال نسبت به ایران تاء شیر خوا هدا شد. با زتا بگسترده موضوعی این کردها می در رسائنه های بین المللی آلمان و سوئیس نیز اهمیت مسئله را گوشزد می کند. طبعاً "برای شرکت کنندگان اروپا می در آن کردها می جالب بودید اندسیاست خارجی ایران دموکراتیک آینده چگونه خوا هدد. وظیفه روشن کردن این مسئله بر عهده احمد میرفندرسکی وزیر خارجه پیشین و سفیر سابق ایران در مسکو نهاده میرفندرسکی در آن سخنرانی که به قول رئیس کردها می "آمیزه ای از درس یک استاد دانشگاه و تجزیه و تحلیل یک کارشناس صاحب نظر" بود گفت که سنت و ساخت سیاسی - اقتصادی جامعه ایران بسا گونه ای است که همکاری نزدیک بسا دموکراسی های غربی را ناگزیر می سازد، ولی با اینهمه ایران بنیادیه هیچیک از بلوک های قدرت تعلق داشته با شد. وی گفت که موقعیت "ژئو-استراتژیک" ایران، هم دارای جنبه ای منفی و هم نیست که بتواند بخوا سبکوی نیازهای فکری و روحی نسل جوان باشد. اگر ما سم نوجه خوانی و سیندزنی و دعا در جنبه های نبرد، شور آفرین و عشق آفرین است، بنیاد تصور شود که در پشت جنبه ها نیز همیشه همان نتایج را در بردارد! خلاصه ای کلام آن که: "از ما ست که بر ما ست، نغمه میدیم چه با بدگفت، چه با بدگردد، چه بنیاد بدگفت، چه بنیاد بدگردد، ندانستیم که از این اثری بزرگ، این مولود بیشترین نیرو، چه گونه با بدبهره گرفت. نغمه میدیم که بنیاد بدویران کرد، با بد ساخت. " آن ها به زبان بی زبانی می گویند: "آی انسان ایران! ای خرد، ای جوان، ای پیروکلان از گناه ما درگذرید، اگر نتوانستیم کار ساز باشیم، اگر ویران نگردیم، اگر دروغزن بودیم، با این همه، واگر چه همچنان دروغ می گوئیم، آن هم از نوع شاخدارش، اما ما را بپذیرید. همچنان برای ما سینه بزنید و فریاد سرکنید. همچنان ما را بزرگ بدارید!" آنها چنین می گویند، اما دردمندان ایران زمین پاسخی دیگر دارند: نه! یک ند بزرگ!

ایران در عراق و آلمان قدرال بود، با اشاره ای به سوابق تاریخی مناسبات ایران و عراق، به مسأله جنگ پرداخت و افزود که تانس ها می واقعی وجود دارند و بتوان با حکومت عراق بر اساس قرا رداد الجزیره صلحی پایدار دست یافت. صدریه در این سخنرانی بیشتر به جنبه های حقوقی موضوع تکیه کرد. نمی توان این گزارش را به پایان برد و از سهمی کدفوا در روحانی وحسین مسک درمبا حندا دا کردند، بی اشاره ای گذشت. فواد روحانی، آنجا که بحث نفت و اوپک در میان بود، اشاره کرد که خط ارتباطی روشنی میان جنبش ملی کردن صنعت نفت به رهبری مصدق و تاء سیس سا زمان اوپک - که نخستین دبیرکل آن بود - وجود دارد. حسین ملک به یک شما بنده مجلس فدرال آلمان (بونستاک) که سخنرانی کوتاهی کرده بود، هشدار داد که اروپائیان مبادا بپندارند که اگر جلو خمینی، این "هیولای مدش" مدام خوراک بریزند، او را آرام خوا هندکورد، زیرا این هیولا هر چه بیشتر بخورد، اشتها می بیشتری پیدا خوا هدد. در نیمه روز پنجم دسا میر، کردها می با صدور قطعنامه ای پایان یافت. در این قطعنامه به ضرورت سرنگونی رژیم، پایان جنگ هفت ساله و تلاش برای استقرار یک رژیم پادشاهی مشروطه بر اساس دموکراسی و حاکمیت مردم تاء کید شده است.

نتیجه نظر خواهی

به گزارش خبرگزاری فرانسه اکثر آمریکا ثیا ن عقیده دارند که ریگان در باره تماس های ایالات متحده با جمهوری اسلامی حقیقت را بیان نکرده است. این نتیجه نظر خواهی یک روز پس از کنفرانس مطبوعاتی ریگان از

بقیه از صفحه ۵

ایتالیا، بهانه ای جدید

شده است. فیگارو در پایان می نویسد: تا بحال دولت ایتالیا با تحویق سررسیده های این قرا رداد، حسن نیت و همکاری خود را نسبت به رژیم اسلامی نشان داده بود تسل آنکه روابط سیاسی - اقتصادی خوبی میان دور رژیم برقرار باشد، اما شرکت ایتالیا بی دیگر حاضر به تحویق بسا ز برداخت مطالبات خود از رژیم اسلامی نیست و میدو راست که تا قبل از تابستان آینده این مسئله حل شود. فیگارو - ۳ دسامبر ۸۶

تلفن خبری
نهضت مقاومت ملی ایران - لندن
شماره ۲۲۱۰۶۶۸

ره‌آلودگی از تکیه‌ها و اهل تشنه

در جمهوری اسلامی، برنام‌های هیج‌شهاد و پنداروسا زمان‌ها، جالب‌ترین و سرگرم‌کننده‌تر از تعزیه‌ها می‌نست که در "تکیه‌دولت" روی صحنه می‌آید؛ تا آنجا که حتی "صدا و سیما" می‌جمهوری، با همه "شعر" هسای مطرح و بهجت اثری که پیش می‌کند، در برابر آن لنگ می‌اندازد؛ قال و مقال‌های مصلحتی - که البته گاه از حد "مصلحت" درمی‌گذرد و غیظ و غضب حضرت امام را برمی‌انگیزاند - هیچ چیز از یک تئاتر "شراژدی کمیک" کم‌نارده سنت گذشته "تکیه‌دولتی" همچنان حفظ شده است. یعنی همه نما بینندگان برکزیده امامت می‌شوانند در باره همه چیز داد و قال کنند و پنجه بر روی یکدیگر بکشند، به جز آنکه که به مقام منبع رهبری و رهنمودهای دایمانه حضرت ایشان مربوط می‌شود. البته گاه در "شهره" محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها، بر حسب حساب مزاجی حضرت امام وزدویندهای سیاسی روز، به ضرب یک فتوای دوسه‌خطی بر اساس "آیه" : " نه یک کلمه کمتر، نه یک کلمه بیشتر" ، گسترش پیدا می‌کند و "معین البکاء" تکیه‌دولت، شیخ‌اکبر رفسنجانی دهان بند نمایندگان حضرت امام را سفت ترمی‌کند. با این همه، و با وجود همه مراقبت‌های لازم، گاه نمایندگان امام، لجام‌ساره می‌کنند از حدود مرتضی‌شده فراتر می‌روند و می‌گویند آنچه را که نمی‌باید گفت، ایستاده لحظت - که در طول هشت سال گذشته کم‌نموده - تعزیه‌های تکیه‌دولت را حال و هوای دیگری می‌بخشد و برجذابیت‌های آن می‌افزاید، چرا که مستوردهای از دستاوردهای ارزشمند جمهوری اسلامی را - به "مردم‌نگون بخت همیشه در صحنه" نشان می‌دهد، راه دور نمی‌رویم. در همین یکما گذشته مستوردهای درختانی از این دستاوردها در "تکیه" دولت به نمایش گذاشته شده است است که چشم آدمی را خیره می‌کند؛ مثلاً یکی از نمایندگان برگزیده حضرت امام، آخوند "محمد مهدی رهبری املشی" با آنکه در ابتدای خطبه، پیش از دستور خود برای دفع بلا "حرز جواد" بخود می‌آویزد و می‌گوید: "... در مورد مسائل داخلی گرچه بخاطر جنگ و مصالح عمومی کشور، نمی‌شود بطور گسترده و واضح سخن گفت ولی اجمالاً" در مورد مسائل قضائی ... مطالبی را به عرض می‌رسانم ... اما بلافاصله این "مصالح عمومی" را فراموش می‌کند و می‌افزاید:

رادیو محلی نهضت - واشنگتن
 رادیو ایران - رادیو محلی نهضت مقاومت ملی ایران تا خدی واشنگتن - ویرجینا - می‌رساند یکشنبه - از ساعت ۱۰ تا ۱۱ با مداروی موج متوسط ۱۴۵۰ - رادیو W.O.L.

"... تشکیل دادگستری و تشریفات امور قضائی و بعضی از محاکم قضائی به حدی نامطلوب است که حقوق افراد مستضعف و متدین نیز سال‌ها در راه دادرسی و ظالم و فساد انقلاب با دسیسه‌های رتی بازی و احیاناً "دادن رشوه"، از طریق همین دادگستری به مردم آزاری متحمل هستند." آخوند رهبری املشی که حضرت امام او را از رود سرگزیده است، همچنین بی‌توجه به مصالح عمومی "ولایت" امام می‌دهد که:

"... بعضی افراد که در مسند خیر قضاوت هستند، نه تنها مجتهد عادل جامع الشرایط نیستند بلکه از نظر رعایت مقررات اسلامی "ظواهر المصالح" هم نیستند، را که مانند بیرونده‌ها، بوروکراسی بعضی از بیرونده‌ها (؟) و بلاتکلیفی بعضی از زندانیان که ماه‌هاست در زندان "بلاتکلیف" مانده‌اند، از جمله مشکلات

است. آیا براساس این نواسم بدست‌آخواب شدیم؟ ... شما بنده، برتر شده، خبر با ما، برود، زیر آساره، دست "موتل" خود را برکشود است؛ حضرت امام اعنای سوری فرسنگ و وزیر فرهنگ و آموزش عالی را برمی‌کشند و با بشپنا نیز با نظر حضرت، حزب‌اللهی‌ها را برای دانشگاه دست‌چین می‌کنند. پس دیگر جای گلدوا منتقدی بیانی نمی‌ماند.

آخوند رهبری املشی، خطبه، پیش از دستور خود را به پایان می‌برد و می‌گوید: "... آیا اینست حکومت اسلامی و راه وقت و رحمت اسلامی که ما در قبال از انقلاب وعده آن را می‌دادیم؟ آیا حالا که به حکومت رسیده‌ایم با بدشمنی برادریم و انتقام بگیریم؟ ..."

آری! این است حکومت اسلامی به روایت و عملکرد حضرت امام، نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر! آخوند محمد مهدی رهبری املشی هم اگر هنوز در "تکیه دولتی"، منبر خود را حفظ کرده باشد، باید دهان بند خود را محکم‌تر کند، زیرا شمیرده دم حضرت امام موقتی که از نیام در آید، خودی و بیگانه نه نمی‌شاند!

است. آیا براساس این نواسم بدست‌آخواب شدیم؟ ... شما بنده، برتر شده، خبر با ما، برود، زیر آساره، دست "موتل" خود را برکشود است؛ حضرت امام اعنای سوری فرسنگ و وزیر فرهنگ و آموزش عالی را برمی‌کشند و با بشپنا نیز با نظر حضرت، حزب‌اللهی‌ها را برای دانشگاه دست‌چین می‌کنند. پس دیگر جای گلدوا منتقدی بیانی نمی‌ماند.

آخوند رهبری املشی، خطبه، پیش از دستور خود را به پایان می‌برد و می‌گوید: "... آیا اینست حکومت اسلامی و راه وقت و رحمت اسلامی که ما در قبال از انقلاب وعده آن را می‌دادیم؟ آیا حالا که به حکومت رسیده‌ایم با بدشمنی برادریم و انتقام بگیریم؟ ..."

آری! این است حکومت اسلامی به روایت و عملکرد حضرت امام، نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر! آخوند محمد مهدی رهبری املشی هم اگر هنوز در "تکیه دولتی"، منبر خود را حفظ کرده باشد، باید دهان بند خود را محکم‌تر کند، زیرا شمیرده دم حضرت امام موقتی که از نیام در آید، خودی و بیگانه نه نمی‌شاند!

سئوالی که پس گرفته شد

ببقیده از صفحه ۱ هشت نماینده سئوال خود را پس گرفتند، زیرا البته پس از تهدیدهای خمینی، دریا فتنه‌گه این سئوال "غیر ضروری" بوده است. با این همه این سئوال سئوال ساده‌ای از دولت نبود، نمایندگان که این سئوال را از دولت کرده بودند، خوب می‌دانستند که دولت در این میان کاره‌ای نیست، آنان می‌خواستند سا طرح این سئوال، بتدریج بی‌اشمی رفسنجانی را به میان بکشند و حسابها را در برابر قدرت تسویه کنند. چرا که بی‌برده بودند رفسنجانی ریسبان ارتباط با آمریکا را در جاتی سواى وزارت خارجه یافته است، در صورت وجود اینکه هنگام طرح سئوال در مجلس، در رسانه‌های همگانی رژیم‌نام سئوال کنندگان نیامده بود، ولی پس از اینکه آنان سئوال خود را پس گرفتند، نشان در روزنامه‌ها درج شد. اینکه در میان آن هشت امضاءکننده نام سید محمد خاتمی، برادر سیدعلی خاتمی، رئیس جمهوری اسلامی نیز به چشم می‌خورد، نشان می‌دهد که مبارزه قدرت در داخل رژیم میان رئیس جمهوری و رئیس مجلس نیز بشدت می‌باشد. پیش از گذشته جریان دارد، فاش شدن نام این هشت نماینده بدان سبب نبود که مطبوعات می‌خواستند مردم را در جریان اخباری که در رژیم می‌گذرد قرار ده‌ایا شد، اگر چنین بود، نامهایشان را همان وقتی درج می‌کردند که سئوالشان از وزیر خارجه مطرح شده بود. اینکه وقتی سئوالی حساب از دولت مطرح می‌شود، نام سئوال کننده را نگویند، ولی هنگامی که سئوالش را پس گرفتند، نامش را بیابا و روند، بیشتر جنبه تهدید دارد تا برای نمایندگان دیگر عبرتی باشد که در باره سئوال‌های حساب، پیش از مطرح شدن، بیشتر فکر کنند.

درست است که قانون اساسی جمهوری اسلامی بدانان حق داده است که در همه امور کنور جستجو کنند و دولت را مورد سئوال و حتی استیضاح قرار دهند، ولی نباید از یاد برد که واقعبینان سیاسی در رژیم تهران را، قانون اساسی نمی‌سازد، بلکه هوس‌های خودگمانه "آیت‌الله می‌سازد و چون" امام اینک مصلحت آن دیده است که با "شیطان بزرگ" مصالح‌های با مصالح ملای کند، بر چند نما بنده مجلس نیست که مسأله را به بحث همگانی بگذارد.

با این همه، سبب از هفت سال شاعرانه - آمریکا شای دادن، چرخش بد سوی آمریکا نمی‌شود و برای خمینی چنان آسان نگذرد که دلخواه او است. در ماجرای کروگان گرفتار دیبلمای تپای آمریکا همه دریا فتنه‌گه خمینی از آن به اصطلاح دانشجویانی که خود را در خط اومی دیدند، خیلی حساب می‌برد. مهدی بازرگان در کتاب خود زیر عنوان "انقلاب اسلامی در دو حرکت" این را تأکید کرده است. سید خمین خمینی، نوه روح‌الله خمینی نیز در گفتگوهای خصوصی با رها این را گفته است که اگر گروهی خود را به اندازة کافی نیرومند نشان دهد که بتواند بخشی درخور توجهی از مردم را به خود بسج کند؛ "امام" در برابر آن تمکین خواهد کرد. با این همه نباید از یاد برد که در جمهوری اسلامی، دیگر آن روزگار گذشته است که بتوانتظا هرات بزرگ خیابان‌های راه انداخت و از آن راه خمینی را تحت تأثیر قرار داد. تظا هراتی اگر در ایران امروز به راه می‌افتد، همه از پیش ساخته و پرداخته است و به وسیله کارگزاران رسمی و نیمه رسمی رژیم برگذار می‌گردد، از جمله در نبود همین



اسلحه، با پول عربستان

به گزارش خبرگزاری فرانسه از واشنگتن منابع سیاسی در آمریکا فاش کردند که عربستان سعودی نقش مهمی در فروش اسلحه آمریکا به جمهوری اسلامی و انتقال پول های حاصل از آن به حساب شورشیان نیکا را گوندا بفا کرده است.

به گفته یک مقام پارلمانی آمریکا طی مقدماتی از پول اسلحه ای که جمهوری اسلامی تحویل گرفت از سوی عربستان سعودی پرداخت شد. به گفته وی، بولی که عربستان به منظور خرید اسلحه برای جمهوری اسلامی پرداخته است سربندها میلیون دلاری زند.

به گفته یک مقام دیگرکنگره آمریکا، عربستان سعودی بین ۶ تا ۲۰ میلیون دلار برای رژیم تهران پرداخته است. به گفته مقامات مطلع آمریکا طی حدود ۲۰ تا ۶۰ میلیون دلار بوده است که به حساب شورشیان فدا نندینیبست نیکارا گوندا منتقل شد. این رقم دو برابر رسمی است که رسماً از سوی وزیر دارایی آمریکا در هفته گذشته اعلام گردید.

آمریکا نیز اظهار داشت که هیچ دلیلی در بربر شرکت عربستان سعودی در این ماجرا وجود ندارد.

عدنان قاشقی، میلیاردر سعودی نیز بدون آن که دخالت خود را در فروش اسلحه به جمهوری اسلامی تکذیب کند گفت: من هیچ گونه مقام رسمی در دولت عربستان سعودی ندارم. در این حال شبکه تلویزیونی ای بی سی آمریکا گزارش داد که دولت اسرائیل برای تحویل اسلحه آمریکا به جمهوری اسلامی سه شرط قائل شده بود.

نخست اینکه طرح تحویل اسلحه به موجب بالاترین مقامات آمریکا از جمله رئیس جمهوری آن کشور برسد، دوم این که جرج شولتز وزیر خارجة آن آگاه باشد و سوم این که در صورت افشای طرح، وجود آن به یکباره انکار شود. پس از قبول این شرط ها بود که تحویل اسلحه از طریق اسرائیل به جمهوری اسلامی آغاز گردید.

خبرگزاری فرانسه - ۴ دسامبر ۱۹۸۶ با شرکت جمهوری اسلامی

روزنامه "میامی هرالد" جاسوسی آمریکا نوشت: دولت آمریکا، شواهدی در دست دارد که نشان می دهد رژیم جمهوری اسلامی در آنجا سفارت آمریکا در بیروت و مقبر تفنگداران دریایی آمریکا در حیفا، دست داده است.

به نوشته "میامی هرالد"، یکی از سازمان های اطلاعاتی آمریکا در سال ۱۹۸۳ بیا م های رمزی را که به سفارت جمهوری اسلامی در لبنان مخابره می شد کشف کرد و پی برد که بیش از یک میلیون دلار به سفارت جمهوری اسلامی در بیروت فرستاده شده است.

به گفته این منابع کهکهای عربستان سعودی به جمهوری اسلامی از سال ۱۳۶۰ آغاز شد. یعنی از زمانی که عربستان متحد گردید به شورشیان نیکا را گوندا کمک کند. این کمک ها همچنین باعث شد که عربستان بتواند موافقت آمریکا را برای دریافت هواپیما و آواکس (رادار پیرونده) جلب کند.

از سوی دیگر سفارت عربستان سعودی در واشنگتن اعلام کرد که عربستان از ماجرای تحویل اسلحه آمریکا به جمهوری اسلامی بی خبر بوده است و وزارت خارجه

بقیه از صفحه ۶

باز هم افسانه‌ی چراغ سبز

ارض پریده است و سوی دیگر میا دانسی که هفت سال در انتظار چنین لحظه ای بیداری کشیده، توره را گسترده اند.

شکارچیان از آتش نقرتی که در قلب مردم خانه کرده است، بیخبر نیستند. سؤال این است که پس چرا چشمها را می بندند و از کنار آن می گذرند؟

جواب روشن است. این نقرت در زیر خاکسترمخت و سنگین اختناق بنهان مانده است و چندانکه باید خودی نشان نمی دهد. و این فریاد تجربه ها است که تنها آنگاه که خاکسترا ز این آتش و این رود و سرخی ها گل کند "محبت ها" نیز گل خواهد کرد، و گر نه:

شوتا قیامت آید زاری کن
کی رفته ربه زاری با زاری؟

داستان پیر چنگی

پس عمر گفتش: "مترس، از من بگرم کت بشارت ها زحمت آورده ام جد بیزدان مدحی خوی تو کرد تا عمر را عاشق روی تو کرد بیسی من بنشین و مهربوری مساز تا به گوشت گویم از اقبال را از حق سلامت می کند، می پرسد: جونی از رنج و غمان بی حادت؟ نک قراضه‌ی *** چند، بریشم بها خرج کن این را و با زاینجا بیا بپر از آن گشت خون آن اسپید دست می خایید و بر خود می طپید بانگ می زد کای خدای بی نظیر! پس که از شرم آب ندید بچاره پیر"

داستان پیر چنگی در این جا به پایان نمی رسد. بنا به روایت مولانا پیر میرزا، زان لطف الهی شرمساری شود و چنگ را بر زمین می زند و خرد می کند و آن را جباب و هزن و مانع وصول به درگاه حق می خواند. از آن پس عمر نیز او را ارشاد می کند، او مقام گریه که هستی است - به مقام استغراق که فنا می محض و نیستی وصول به حق و پیوستن به ذات راست توجه می دهد. اما این ها همه سخنان مولانا است که در دهان خلیفه دوم گذاشته می شود. آن سخنان در نواز، آن بشارت ها که مرید

نشانی پستی شاخه های نهضت مقاومت ملی ایران در کشورهای مختلف دنیا

N.A.M.I.R.
Postfach 121007
8000 MUNCHEN 12
W. Germany

N.A.M.I.R.
Postfach 323
1171 WIEN
AUSTRIA

DR. H. STASI
8 CINZANO COURT
SALTHERSBURG, N.D.
20878 (U.S.A.)

N.A.M.I.R.
PO BOX 333
LONDON W 2-4 QX
ENGLAND

PO BOX 130
H600 TULLINGE
SWEDEN

TUS - MOSS
117/118 MAKER CHAMBER (V)
NARIAN POINT
BOMBAY 400021
INDIA

NEHZAT
P.B. 246
3230 AE BRIELLE
NORWEGE

A. CH
APARTADO CORREOS 30412
MADRID SPAIN

NAMIR
PU-1002
STN. B. WILLODALE ONT
M2K, 1T6 CANADA

A. R. CASELLA
POSTALE 601
00187 ROMA
ITALIA

P.O. Box 3049
8049 Zurich
SWITZERLAND

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۰۰۰ فرانک فرانسه -

شش ماهه ۱۰۰۰ فرانک فرانسه -

ذات‌الچوبان نصف قیمت

اینجانب (نام و نام خانوادگی - فارسی و به حروف لاتین)

نام خانوادگی: Nom

نام: Prénom

آدرس: Adresse

ما به نام نشریه تمام ایران را به مدت یک سال به اشتراک می خریدم. شماره اشتراک من: ... به حساب پستی نشریه ... ارسال می کرده.

تاریخ اشتراک: ...

شماره حساب پستی:

QYAM, IRAN
C.C.P. No: 2400118/E
PARIS

شماره حساب بانکی:

QYAM IRAN
Crédit du Nord
78, Rue de la Tour
75116 Paris
Compte No: 11624700200

توجه لازم

ضمناً دارد تقاضای اشتراک را به آدرس تمام ایران ارسال فرمائید. نامه های که به آدرس حساب پستی یا بانکی نرسیده، برگشت داده نمی شود.

چون عمر برای پیرکی چنگی از سوی حق می آورد، آن مهربانی ها و دستگیری ها و رها مهربانی ها که مریدی چنگ نواز را در پایان راه زندگی از خاکستان حق می سازد، در حقیقت همه اش تربیت و زاده نفس گرم مولانا است و از زمین تا آسمان با روش های خفیه و بی گذشت منشوران و آریاب تعصب فاصله دارد. در واقع این مولانا است که از زبان فاروق سخن می گوید:

چون که فاروق آینه اسرار شد
جان پیر از اندرون بیدار شد
همچو جان، بی گریه و بی خنده شد
جان رفت و جان دیگر زنده شد
حیرتی آمد درون آن زمان
که برون شد از زمین و آسمان

*** یادم یا پاردم: رایگی، تسمه ای که در عقب زمین اسب یا پالان الاغ می دوزند و زیر دم حیوان می افتند. *** زعیف: کرده نان، رهین، گروگان، و متمموم مصرع آن است که پیر را شرکسا دنیا زار کیش برآی یک کرده نان منطل مانده بود.

*** آبریشم بها: بهای آبریشم، در قدیم رشته های آبریشم را به جای "سیم" در سازه های زهی به کار می بردند و آبریشم بها، در اصطلاح به معنی دستمزد مطرب و نوازنده است. مولانا در یکی از غزل های خود می گوید:

مطربا عشق با زنی از سر کیسر
یک دوا بریشمک فروتر گیر
یعنی آهنگ را یک دوا برده با این شربنوا ز،
*** قراضه: پول خرد. در این جا به قصد تعارف و برای کم نشان دادن ارزش زنگنه شده است.

بقیه از صفحه ۱

شیخی بعد از هفت ماه که آن خالی بود آب می زدومی خورد مختصر بولی بدستش رسید. بول را به بیجای قطعه کوشتی داد و با لبه و با قلا با رگذاشت و خوراکی حاصل کرد تا موقع شام بخورد. او اصل شب، شیخ به قضا حاجت از حجره بیرون رفت. درین آسایش بگی وارد حجره شد و سرش را در ظرف غذا فرو برد و مشغول خوردن شد. به محض آنکه شیخ با زنگت و سروکله اس در آستانه درظا هرندک با قیما شده غذا را گذاشت و از سبزه بیرون جست. شیخ نگاه کرد دید هنوز به اندازیهی که شکمش را سیر کند غذا در ظرف مانده است. نشوونست از آن دلیر گیرد و بخورد بقبولاند که خون طعم میدهان سک آلوده و لاجرم نجس شده است خوردنش جایز نیست. با خود گفت من روز روشن هم چشم در دست نمی بیند و درین تاریکی سب بطریق اولی نمی توانم سک را از کربسه بازشناسم. ان شاء الله گوید:

انشاء الله

گوید

انشاء الله

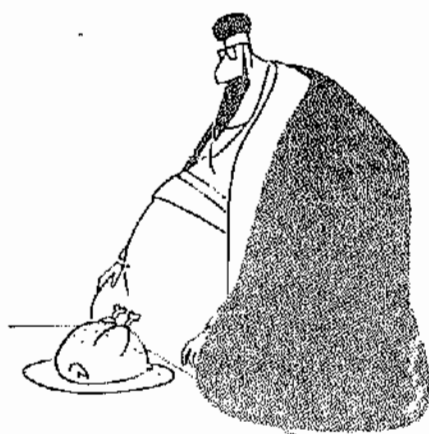
بر او او بناده حد حک ما خنان بر زحری سی مو نس که طبل لحد، شاد و جو سهرن سوحش، اما ساک آخر ها کساده و معده خاک ز آسین شاد و با حدی سار سعل و کس، میان حرم کراز... بعد شرح ما حرامی سردا زد و میگوید: در حلای کنایه راجده درون از قضا بدکی فتاده درون لاسه سک، سن نلاس بر دیگر لانه آورد عاقبت یکنار همو قبلی بر کسیده زنبیل سروتن خیس خورده و ترو تویل دست و پایی زد و بخسکی راند عقمی کرد و آب تن بفساند قسمی از زهر بلند و بخسکی بست شیخ زی عیب و سک به بالادست رشحات جدا ز جسم پلید هنت عترش بسوی شیخ جهید و زلبیدی سگ گرفت آخار شیخ را ریس و حبه و دستار خرمریدان به انتظار نماز کار تفسیل شیخ، دور دراز حرص میل و قبولی عامه با ترش روی نفس لواحه لحظه بی چند جنگسان پیوست شیخ با حرص از درون همدت گفت: سگ اندر آب؟ این غلط است! گر نه ما هی است، لامحاله است فلس و بر نیستن، عجب اینست

این حکایت بطریق دیگری هم روایت شده که اتفاقاً "مناسبتی با آلودگی در مان حضرت امام به ترسحات و کتدهما مله با اسرا ثیل و آمریکا بیشتر است. میگویند شیخی جهت اقامه نماز صبح به مسجد می رفت. ناگهان سگی که به زیر می خزیده بود بیرون جست و خود را تکان داد و آب زتن او بر دامن قبا ی شیخ تریخ کرد. شیخ دید وقت حال اینکده بخانه برگردد و استحاحه مکن و لباس دیگری بپوشد. آنرا دید که در آنجا نشاء الله گوید: انشاء الله گوید که: "و بطرف مسجد راه افتاد، مرحوم دهقدا این روایت را بد نظم کشیده است. ابتدا شرحی در توصیف شیخ میفرماید که:

گردن و سینه در شکم، مدغم پای تاسر جوخه تمام شکم هیچ نه، جزمه مدونگی کلمی شکم برقرار خمی قوز لوبیش به پشت، جویوز معنی صدق قوز بالا قوز! بر زبان ذکر و خاتمن به میمن سینه در دست و پینه با رحین ریش انبوه برز اشس و کک

پیداخت باج

"چارلز ردمن" سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا تا به کید کرد که سیاست دولت آمریکا در مقابل ترکان کنری آن است که از استیلا زادن و سر داخت باج به گروگان گیریها خودداری کند. "ردمن" این سخنان را در ماسخ بیسه ادعا های "راس سروت" میلیاردر آمریکائی اظهار داشت. "راس سروت" ادعا کرده بود که سرشنگ "آلبورت" روی نوشته بود برای آزادی گروگانهای آمریکائی شریکانش ۲۰ میلیون دلار به ترکان کنبرای لبنان بپردازد. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفت که وزارت منبوع وی بکلی از جنبش منبوعی بی خبر است. رئیس جمهوری آمریکا نیز قبلاً اعلام کرده بود اگر سرهنگ نورث چنین اقدامی کرده باشد، آن را بدون اجازت کاخ سفید انجام داده



دکی دارد، آد؟ دلشپ است که به حروید برکه های عمیق سکا آورد ز سر، عریقی خوانده بودم شرح سیرت آن در "سیری" و نیز "ال حیوان" در "عنا" هم سنا با حاوران بوعلی را انشائی است بدان ندهد تا یقین خویش سگ کفت سخ این وست کرده است وز عبا، مرده ریگ، سخ بدر مرده آما کفن کسید بر فرصت ک درگاه خواندن سوز مانده بود از طلوع کوکب روز شیخ محراب با قدم آراست وز همه سن بانک و فوغا خاست قدسی و باقی شیخ را ملوات لال، هرگز گوید این کلمات!

با تمام این اوصاف، تطهیر حضرت امام و ملوات فرستادن بر قداست و پاکسوی و آنقدرها هم که دوستان انگلیسی تصور کرده اند، بیان نیست. امام این بار تا خرخره کزین فرورفته است و با آب زمزم و کوثر هم نمی توان او را غسل داد و تطهیر کرد. همین تعبیر را مشاوران تبلیغاتی کساح سفید در آمریکا برای تطهیر رونا لدریگان کردند و علی رغم اینکه رئیس جمهوری روز اول مسئولیت همه چیز را پذیرفته بود به گردن او گذاشتند که بگوید ز همه وقایع خبرنداشته است. این عزیزان زگناه کمکی به ریگان

نکرد سهل است که آنها می کفایتی را هم برای او به ارمان آورد. مدعیان گفتند رئیس جمهوری اگر واقعاً "زانچه در اتاق های طبقه زیرین کاخ سفید می گذرد خبرنداشته باشد اوای به احوال آمریکا.

با زدن آمریکا اگر هم جوعدری را برای رها شدن رئیس جمهوری از سواستی معاطلات سجا ندریگان - سوز - خمینی عنوان کردند دستکم خرد سسادی از عتاوران عالی رتبه کاخ سفید خراسته سدور رئیس جمهوری به وزیر دادستری و سس سدیگ قاضی مستقل اختیار نام داد

که راجع به جزئیات امر، از شما کسی دست اندرکاران، منجمله خود و تحقیق کند و گزارش آن را در اختیار نگردد و ملت آمریکا بگذارد. در جمهوری اسلامی، حتی تصورش را هم نمی شود کرد که چنین ارتشاطاتی دور از چشم آیت الله خمینی بدون اطلاع وی برقرار شده باشد. در ایران البته کسانی بودند و زبیا دهم بودند که با تبلیغات آنجنانی به بالای با مرفتن سید و عکس آیت الله را در ترس ما هروه بیت کردند ولی رساندن امام به ماه مطلبی است، بیرون کشیدن امام از جاه مطلبی دیگر. مردم ایران فریب خوردند، با زیچسه سیاست های استعماری شدند، روز را شب و شب را روز پنداشتند و با پای خودشان، چشم بسته به بیراه رفتند. اینها همه قبول ولی حمق محض و محض حمق است اگر کسی تصور کند ملتی را برای همیشه میتوان با دروغ و دغل سرگرم کرد و به هر سازی رقمانید.

ملت ایران انتظار دارد ز عمای جمهوری اسلامی درباره آنچه رخ داده و جزئیاتش از برده بیرون افتاده است دو کلمه حرف راست بزنند. فقط این سؤال برایش مطرح است که اگر حضرت امام ریگی بسه کفش خود ندارد چرا دستور داد دوکلای مجلس اسلامی سؤال خود را مسترد بدارند و خفقان بگیرند. آخر امام از چه می ترسد!؟

است، ما آن را منحصر به همان یک محموله ای دانست که رونا لدریگان اعلام کرده بود. ها نمی رفتن تا رئیس مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه ای که روز جمعه ۱۵ اسامیر از رادیوی جمهوری اسلامی بختی شد اظهار داشت: "رئیس جمهوری آمریکا وقتی که به آمریکا ثیان اطمینان داده بیست از یک محموله اسلحه به جمهوری اسلامی تحویل نداده است، راست می گفت. ما از پنج - شش سال سنی از طرف دلالت اسلحه آمریکا می خریم، زیرا حاضر به مذاکره مستقیم با آمریکا نیستیم. اما این با رسیدن مستم کابین سلاح هانا تا شاید دولت آمریکا به با تحویل داده شده است."

نشانی: QYAM IRAN C. O. C. B. 17, bd RASPAIL, 75007 PARIS FRANCE

و اسگرا وجود دارند. لاری اسپیکر سخنگوی کاخ سفید گفت ما نیز مثل رئیس جمهوری معتقد به وجود یک جناح میانرودر جمهوری اسلامی هستیم و در نتیجه در این مورد ما این سرگرم هم عقیده نیستیم. به گفتهی متبع مرتق دروا شنکتسن کا سا رو این برگزوز بردفاغ آمریکا همانند جورج شولتز وزیر امور خارجه با ارسال اسلحه به ایران مخالفت کرده است. خبرگزاری فرانسه - ۵ دسامبر ۸۶

آری این را است می گوید! ها می رفتن تا رئیس اعتراف کرد که جمهوری اسلامی از آمریکا اسلحه دریافت کرده است

ایران هرگز نخواهد مرد